



# The role of insight in eradicating cultural poverty with emphasis on Nahj al-Balagha

Mohammad Sharifi <sup>a\*</sup>, Fatemeh Poor Mahdi <sup>b</sup>

<sup>a</sup> Associate Professor of Ulum Quran and Hadith , University of Mazandaran, Iran

<sup>b</sup> Fourth Level Student of Khadijeh seminary Institute of Higher Education of Babol, Babol, Iran

## KEYWORDS

cultural insight,  
social justice,  
cultural poverty,  
Nahj al-Balagha

## ABSTRACT

Man is a dignified being, with a pure, divine nature, endowed with moral virtue and sublime wisdom, and with the talent and power of extraordinary growth and prosperity. Universal, to express his human and divine identity and free himself from poverty and hardship. In this regard, this research has been written with a descriptive and analytical method to understand the aspects of increasing insight in the eradication of cultural poverty from the perspective of Nahjul Balagha, and the results of the research show that increasing insight and awareness in the direction of poverty eradication, providing a platform and suitable employment and health Families lead to the eradication of cultural poverty and finally, the implementation of social justice.

\* Corresponding author. Tel.: 09133500046

E-mail address: [m.sharifi@umz.ac.ir](mailto:m.sharifi@umz.ac.ir)

Received: October 29, 2022; Received in revised form: January 16, 2023; Accepted: February 19, 2023

Article type: Research Paper

© Author





## نقش بصیرت در ریشه‌کنی فقر فرهنگی با تاکید بر نهج‌البلاغه

محمد شریفی<sup>الف\*</sup>، فاطمه پورمهدی امیری<sup>ب</sup>

<sup>الف</sup> دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران  
<sup>ب</sup> طلبه سطح ۴ موسسه عالی حوزوی حضرت خدیجه (س) بابل، بابل، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
بصیرت فرهنگی، عدالت اجتماعی، فقر فرهنگی، نهج‌البلاغه	افزایش شکاف طبقاتی بین فقیر و غنی و ناتوانی در رفع آن در هر جامعه‌ای به بحرانی شدن و وضع و به نوعی انحراف اجتماعی، انتقال فرهنگ کج‌روی می‌انجامد که می‌توان با استمداد از سحنان گوهر بار معصومین خصوصاً نهج‌البلاغه این فرهنگ کج را ریشه‌یابی و رفع نمود که نقش حوزه و دانشگاه در این بصیرت‌افزایی بسیار بالاست. انسان موجودی کرامت‌یافته، با فطرت پاک الهی و سرشته شده به مکارم اخلاقی و خرد متعالی و دارای استعداد و نیروی رشد و شکوفایی فوق‌العاده که در پرتو آن، می‌تواند یک زیست فرهنگی شکوهمندی را تجربه کند و با آموزش ژرف و عمیق در سطح فراگیر و جهان‌شمول، هویت انسانی و الهی خود را بروز دهد و خود را از فقر و تنگدستی برهاند. در این راستا، این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی برای شناخت ابعاد بصیرت‌افزایی در ریشه‌کنی فقر فرهنگی از دیدگاه نهج‌البلاغه نگاشته شده است و نتایج پژوهش، گویای این است که افزایش بصیرت و آگاهی بخشی در راستای ریشه‌کنی فقر، بستر سازی و اشتغال مناسب و سالم سازی خانواده‌ها منجر به ریشه‌کنی فقر فرهنگی و در نهایت، اجرای عدالت اجتماعی می‌گردد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۷	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰	

### ۱- مقدمه

بصیرت فرهنگی به مجموعه دانش‌هایی گفته می‌شود که شامل؛ آگاهی، نگرش و رفتار برای بالا بردن سطح بینش و آگاهی‌های فرهنگی یک فرد می‌باشد. در مطالعات بسیار زیادی نشان داده شده است که افراد فقیر، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، از فرهنگ درستی برخوردار نیستند پس ارتقاء فرهنگ و جهت‌دار کردن انگیزه در زمینه اهمیت دادن به مسائل فرهنگی، لازم است سطح شناخت خود را نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی و دینی و توان نقش‌آفرینی خویش در جامعه، بالا برده و به‌عنوان یک فرد مسئول و نقش‌آفرینی کند که اساتید حوزه و دانشگاه به نسبت در این بصیرت‌افزایی سهیم‌اند.

فقر زمینه و بستر مناسبی برای پیدایش بسیاری از انحرافات است. فقر و توزیع ناعادلانه ثروت، به همراه فقر فرهنگی، زمینه‌ساز انواع رفتارهای ناپه‌نجا می‌باشد فقر جزء پدیده‌هایی است که فقط شامل نداشتن ثروت و پول نیست، در زندگی اجتماعی اگر فردی از لحاظ فرهنگی بی‌صلاحیت باشد دچار فقر فرهنگی شده است. بی‌شک بستر امنیتی جامعه از راه فرهنگ و اطلاع‌رسانی مناسب صورت می‌گیرد و اگر ساختار جامعه‌ای به شکل مطلوب آماده باشد، ناهنجاری‌ها، جرائم و تخلفات به حداقل می‌رسد.

سؤالی که در این تحقیق به آن پاسخ داده می‌شود: نقش بصیرت در ریشه‌کنی فقر فرهنگی در نهج‌البلاغه چیست؟ از آنجایی که

فقر و پیامدهای فاجعه‌بار خطرات واپس ماندگی اقتصادی را گوشزد می‌کنند. همچنان که خداوند فرمود: «ادعوا الی الله علی بصیرة انا و من اتبعنی» (یوسف/ ۱۰۸)؛ «من و پیروانم، با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم» دانشمندان مسلمان، برای سازگاری بخشیدن به مفهوم فقر در احادیث ستایشگر با مفهوم فقر در روایات سرزنشگر آن، راه‌های مختلفی را پیموده‌اند، مولای متقیان حضرت علی (ع) درباره فقر و تنگدستی فرمایش‌هایی را ایراد فرمود که بسیاری از آن‌ها در کتاب نفیس نهج‌البلاغه گردآوری شده است، در خطبه ۸۶ آمده است: «خداوند متعال روزی انسان‌ها را اندازه‌گیری و مقدر فرمود؛ گاهی کم و زمانی زیاد، و به تنگی و وسعت، به گونه‌ای عادلانه تقسیم کرد تا هر کس را که بخواهد، با تنگی روزی یا وسعت آن بیازماید، و با شکر و صبر، غنی و فقیر را مورد آزمایش قرار دهد. پس روزی گسترده را با فقر و بیچارگی درآمیخت، و تندرستی را با حوادث دردناک پیوند داد.» (سید رضی، ۱۳۸۷، خطبه ۸۶)

حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «هیچ فقری مانند جهل و نادانی نیست» (رسولی محلاتی، ۱۳۷۸، ص ۳۵۲) بنابراین هرکسی که توانایی علمی و عقلی بهینه‌سازی شرایط محیطی خود را نداشته باشد، دچار فقر فرهنگی است و تا زمانی که قوه عاقله و خرد او تقویت نشود توان تأثیرگذاری بر محیط پیرامونی خود را نخواهد داشت. اسلام هرگز به فقر گرایش ندارد و به سوی آن جهت‌گیری نمی‌کند، بلکه توسعه اقتصادی، به شکلی برجسته، از اهداف مهم این دین به شمار می‌رود.

به بیان دیگر؛ جهت‌گیری و مبارزه اسلام در رویارویی با فقر و برنامه‌ریزی‌هایش در مسیر توسعه اقتصادی، از اصول مسلم اسلامی است. چنان‌که در قرآن کریم می‌خوانیم: "یا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ" (فاطر/ ۱۵) ای مردم! شما همگی نیازمند به خدایید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و ستوده است.

افراد بی‌بصیرت قادر به درک و هضم درست مسائل مستحدثه اجتماعی و فرهنگی نیستند و معمولاً تحلیل‌های غلطی از شرایط دارند که زمینه‌ساز سقوط و اشتباهات جبران‌ناپذیری، نظیر فقر می‌گردد. روی این اصل دین اسلام فقر و تنگدستی را جزو یکی از مصیبت‌های بزرگ و از جمله بلای جامعه بشری که تا سرحد نابودی آن تأثیر دارد، معرفی نموده است و ریشه‌کنی آن از اجتماع را اصلی‌ترین هدف و وجهه همت خود قرار داده است. مهم‌ترین شاخصه فقر فرهنگی جهل و نادانی است، زیرا تا کسی از شناخت و آگاهی لازم و صحیح نسبت به هستی، جامعه و انسان برخوردار نباشد، به‌طور طبیعی قادر نخواهد بود، تغییر و تحولی در اوضاع زندگی خود ایجاد نماید.

امام علی (ع) علم و آگاهی انسان را اصل و ریشه هر خیر و جهل و نادانی را اصل و ریشه هر شری می‌داند. بنابراین مبارزه با جهل و نادانی در واقع مبارزه با فقر فرهنگی به حساب می‌آید. و تمامی افراد جامعه مسلمان و غیرمسلمان باید در تأمین نیازهای اولیه معیشت خویش در وضعیت اقتصادی مطلوب و مناسب باشرافت و کرامت انسانی خود باشند تا رفاه عمومی در جامعه برقرار گردد. به همین در خطبه ۲۲۵ آمده است: «خدا، ابرویم را با بی‌نیازی نگهدار، و با تنگدستی شخصیت مرا لکه‌دار مفرما، که از روزی‌خواران تو روزی خواهم و از بدکاران، عفو و بخشش طلبم!...» (سید رضی، ۱۳۸۷، خطبه ۸۶).

## ۲- مرور پیشینه‌ها

در پیشینه نظری کتابی که با این موضوع یافت نشده است ولی کتب مرتبط نظیر:

کتاب «جامعه و فرهنگ»، تدوین: محسن فرد رو، سهراب حمیدی، رضا یعقوبی، انتشارات آرون، ۱۳۸۰

کتاب «شناخت فرهنگ، فرهنگ سازمانی و مدیریت بر آن» از، علیرضا علی احمدی تهران: تولید دانش، ۱۳۸۳

مقاله: «تحلیل جامعه‌شناختی فقر فرهنگی در تکرار انحرافات اجتماعی و بازگشت به زندان در زنان زندانی (ندامتگاه مرکزی زنان شهرستان اراک سال ۱۳۹۷)» که در مورد طعمه‌شدگی، فریب‌خوردگی، ناهمنوایی زناشویی، طلاق عاطفی و ازدواج ناموفق، از جمله علل انحرافات اجتماعی پدر، هم‌نشینی افتراقی، اعتیاد و خلافکاری والدین، خلاءهای عاطفی، قربانی تجاوز بودن و همسر آزاری، از عوامل مداخله‌گر در این انحراف، بیان نموده است.

مقاله: «بررسی الگوی خاموش فرهنگ فقر و عوامل مرتبط با آن» از سید محمد بساطیان، مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۰، به چاپ رسید و در مورد استخراج مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگ فقر همچون تقدیرگرایی، مصرف‌گرایی و عدم تمایل به پس‌انداز، بیگانگی اجتماعی، عدم آینده‌نگری و عدم سرزنش فقر، ... صحبت نموده است.

هیچ‌یک از پژوهش‌های نام‌برده شده به‌طور خاص به موضوع نقش بصیرت در ریشه‌کنی فقر فرهنگی با تاکید بر نهج‌البلاغه نپرداخته‌اند. از این‌رو، انجام این پژوهش با توجه به شرایط و مقتضیات زمان، امری ضروری به نظر می‌رسد.

### ۳- روش‌شناسی

این جستار در چارچوب نظری با ساختار توصیفی و تحلیلی برای شناخت ابعاد آگاهی بخشی و بصیرت‌افزایی با بررسی فرهنگ ریشه‌کنی فقر با نگاه دینی و با مراجعه به نصوص و مبانی اسلامی، بخصوص کتاب گران‌قدر نهج‌البلاغه پیرامون زدودن ریشه فقر فرهنگی و با استفاده از آثار موجود کتابخانه‌ای، نگاشته شده است.

### ۴- مفهوم‌شناسی

#### ۴-۱- فرهنگ

واژه فرهنگ از زبان پهلوی (فارسی میانه) و یا به نقل از برخی فرهنگ‌های لغت، دارای ریشه اوستایی است که از دو جزء (فر) و (هنگ) تشکیل شده است. (فر) یا (فره) بارقه الهی است که بر دل انسان تجلی می‌کند و مایه کمال و تعالی نفس می‌گردد و (هنگ) یا (هنج) از مصدر «هیختن یا هنجیدن» به معنی برآوردن و جلوه‌گر ساختن است. فرهنگ در زبان فارسی، به معنای ادب، تربیت علم و دانش، و مجموعه آداب‌ورسوم آمده است. (معین، ۱۳۷۶، ص ۸۳۵۲) فرهنگ در لغت عرب با کلمه (الثقافه) بیان می‌شود که به معنای پیروزی، تیزهوشی و مهارت بوده، سپس به معنای استعداد فراگیری علوم و صنایع و ادبیات به‌کاررفته است (وجدی، ۱۳۷۳، ص ۵۱).

فرهنگ عبارت است از الگوهای رفتاری، که توسط علائم و سمبل‌های مختلف انتقال می‌یابد و میراث ویژه گروه‌های بشری از جمله دستاوردهای فکری و ساخته‌های فیزیکی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. هسته اساسی فرهنگ از عقاید سنتی که در طول تاریخ کسب و گزینش شده و بخصوص ارزش‌های مرتبط با آن‌ها تشکیل یافته است (فردرو، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۹).

اصطلاح فرهنگ (culture) در علوم انسانی و اجتماعی به‌خصوص جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی استعمال فراوانی دارد. با این حال، مفهوم واحد و مشخصی ندارد به‌گونه‌ای که تاکنون بیش از ۲۵۰ تعریف مختلف، از آن ارائه شده است. ادوارد تایلر در ۱۸۷۱ نخستین تعریف فرهنگ را چنین ارائه کرده است: «فرهنگ یا تمدن، کلیت درهم یافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب‌ورسوم، و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد.» (لطیف پور، ۱۳۸۰، ص ۱۲).

تعریف دیگر فرهنگ، از پالمرو مونتی است: «ارزش‌ها (معنوی)، هنجارها و نظام اعتقادات یک جامعه مشتمل بر سنت‌ها، آداب‌ورسوم، مذاهب و ایدئولوژی‌ها، تشریفات مذهبی، میراث، زبان و کلیه عادت‌ها، دیدگاه‌های مشترک.» (پالمرو مونتی، ۱۳۹۳، ص ۹۹).

در یک جمع‌بندی می‌توان در تعریف فرهنگ چنین گفت: فرهنگ مجموعه و کلیت به هم تافته و پیچیده‌ای از ایده‌ها، باورها، آرمان‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، نهادها، نمادها و سایر آموخته‌ها و عاداتی است که حاصل و دستاورد نسل‌های مختلف مردم جهان و منطقه یا یک امت و یا دولت کشور هست و «مبانی، اصول، چگونگی و چرایی این طرز تفکر، نحوه زندگی و نحوه و چگونگی و

نوع اعمال و رفتار فردی، جمعی و اجتماعی آنان را توجیه، تعقیل، تبیین یا تعیین می‌نماید و روند حال و آتی آن را معلوم و مشخص می‌کند.» (احمدی، ۱۳۸۳، ص ۷۴).

از آنجاکه فرهنگ به اعتقاد بیشتر کارشناسان و صاحب‌نظران مسائل اجتماعی اساس و زیربنای هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد، و هرچقدر فرهنگ یک جامعه مؤثرتر و کارآمدتر باشد، پیشرفت آن جامعه در مسیر رشد و تعالی بیشتر خواهد شد، بنابراین فقر فرهنگی به‌عنوان یک عامل بازدارنده می‌تواند جامعه‌ای را به سمت فقر و انحطاط بکشاند، و از دستیابی به اهداف والا و تکاملی بازدارد.

فرهنگ معانی متعددی دارد؛ حدود ۳۰۰ تعریف برای آن ذکر شده است که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: علم، فضل، دانش، عقل و ادب... را فرهنگ گویند، این واژه مرکب از «فر (پیشوند)» و «هنگ» است که در ریشه‌های اوستایی و لاتینی، یکی از معانی آن تعلیم و تربیت است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۰، ص ۱۵۱۰۹).

علامه محمدتقی جعفری (ره) تحقیق نسبتاً جامعی در این خصوص انجام داده‌اند. ایشان از میان یک‌صد و شصت و چهار تعریف فرهنگ که در دایره‌المعارف بریتانیکا به آن اشاره شده است یک تعریف جامع اخذ کرده‌اند. برخی از آن تعاریف، برای شناساندن یک یا چند عنصر از عناصر فرهنگ ذکر شده‌اند؛ مانند فرهنگ ادبی، فرهنگ هنری، فرهنگ علمی، فرهنگ اخلاقی و ... و برخی، به‌گونه‌ای دیگر به تقسیم فرهنگ پرداخته‌اند، مثل فرهنگ پیرو و فرهنگ پیش رو (جعفری، ۱۳۴۳، ص ۷۵ و ۷۸).

اما معنای عمومی‌تر و رایج‌تر نیز از فرهنگ وجود دارد؛ مثلاً گفته می‌شود «باید فرهنگ‌سازی کرد»؛ یعنی «فرهنگ جامعه خراب است»؛ باید آموزش‌های دینی به‌صورت فرهنگ درآورد، لذا شیوه رفتار و احساس و مجموعه باورها و ارزش‌ها و اندیشه‌هایی پدیده‌ای فرهنگی محسوب می‌شود که اولاً، عمومی شده باشد؛ ثانیاً، افراد با اختیار به‌سوی آن میل کنند؛ ثالثاً، به زمان و شرایط ویژه‌ای مربوط نشود، و رابعاً، خودش را در دیگر تجلیات رفتاری جامعه نیز نشان بدهد.

پس فرهنگ عبارت است از: کیفیت یا شیوهی بایسته یا شایسته، برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی باشد. با این توضیح فرهنگ باعث تجلی کمال و تعالی در انسان و جامعه می‌باشد. «بنابراین فرهنگ ترکیبی است از کلیه دانش و علم و فن و باورهای مذهبی، سنن و آداب، سیاست و پویش اقتصادی و ارزش‌های متفاوت، به زبان ساده مجموعه داده‌ها و رفتار عمومی یک جامعه که وقتی تقسیم شود.» (فرهیخته، ۱۳۷۷، ص ۷۶ ۵۷۵).

واژه فرهنگ درعین حال به مجموعه اطلاعات علوم مختلف و لغات و واژگان زبان نیز بکار می‌رود، شاید دلیل گزینش این واژه در مقابل واژه معجم در زبان عربی و دیگشیرنی در زبان فرانسوی آن باشد که مجموعه لغات یک‌زبان، حیات روحی و فکری و اجتماعی یک ملت را بیان می‌کند (کاظمی، ۱۳۷۶، ص ۳۵).

فرهنگ عمومی زیربنای اجتماعی فراگیر و تعیین‌کننده کیفیت رابطه برخورد آحاد یک اجتماع با مسائل و واقعیت‌های موجود در زندگی اجتماعی است. شخصیت اجتماعی مردم یک جامعه در فرهنگ عمومی خلاصه می‌شود. و اهداف و کیفیت مسیر حرکت به‌سوی تعالی و پیشرفت یا زوال و عقب‌افتادگی آن تحت تأثیر این فرهنگ است که می‌سازد. «در بسیاری موارد تکامل روحی، معنوی انسان در طول زمان را فرهنگ نامیده‌اند، که این تعریف غالباً با مفهوم تمدن همراهی پیدا می‌کند.

## ۲-۴- بصیرت

بصیرت در لغت معانی زیاد دارد: «بنایی. دانایی. زیرکی. هوشیاری. بینش. آگاهی. و در اصطلاح: صفتی است در شخص که به او توانایی شناخت راه حق و باطل از یکدیگر را می‌دهد. و دارای زمان‌شناسی، شناخت فتنه و تشخیص حق از باطل، شناخت روشن از دین، شناختن دوست و دشمن، تولی و تبری، آگاهی از ترفندها و خدعه‌های دشمن هست.» (معین، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۳۴).

ابن منظور می‌گوید: «بصیرت از کلیدواژه‌های راهبردی در حوزه معرفت و شناخت و روابط اجتماعی و سلوک انسان مسلمان

در رفتار فردی و اجتماعی محسوب می‌شود.» (ابن منظور، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۱۴) بصیرت و روشن بینی در دین از خواسته‌های اولیای الهی و مؤمنان حقیقی است. چون بصیرت، چراغ راهی است که در تاریکی و ظلمت‌های راه بندگی، راه را بر انسان روشن می‌سازد و او را از خطر افتادن و لغزش نگه می‌دارد. واژه بصیرت؛ یک واژه قرآنی و روایی است. این واژه با توجه به قرآن و روایات؛ به معنای آگاهی، شناخت عمیق و اطمینان بخشی است که به انسان توانایی درک حقایق و پشت پرده حوادث را می‌دهد؛ به گونه‌ای که راه حق را از باطل به وضوح تشخیص می‌دهد و از بحران‌ها و فتنه‌ها به سلامت عبور می‌کند. می‌توان به استناد این جمله مشهور امیرالمؤمنین (ع) که «تَعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا» بصیرت را نیز در قیاس با ضد خود معنا کرد و آن را نقطه مقابل غفلت و ناآگاهی دانست. با این حساب ممکن است فردی از حس بینایی بسیار خوبی بهره‌مند باشد اما به دلیل غفلت و ناآگاهی، حجابی بر دیدگانش قرار گیرد و نتواند بسیاری از مسائل را به درستی درک و تحلیل نماید. چنان‌که پروردگار متعال در قرآن کریم در وصف مشرکان و منافقان می‌فرماید: «وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ» (بقره/ ۷) یعنی بر چشمان آنان پرده‌ای است که با وجود بینایی ظاهری، مانع از دیدن حقایق می‌گردد.

عنصر بصیرت، به معنای فهم درست و توانایی تحلیل واقعیت‌های جامعه، نقش مهمی در حراست از جامعه اسلامی دارد. اگر افراد یک جامعه اسلامی بصیرت کافی نداشته باشند به آسانی فریب توطئه‌های دشمنان را خواهند خورد و جوهر گران‌بهای وجود خود را با اشیای کم‌ارزش معامله خواهند کرد. وظیفه خواص جامعه است که بر آگاهی توده مردم بیفزایند و مانع انحراف آن‌ها شوند (سایت امین، حوزه‌های علمیه خاوران).

بصیرت در اصطلاح به معنای آگاهی، هوشمندی و هشیاری در برخورد با حوادث و پدیده‌های بیرونی و برخورداری قدرت تحلیل مسائل اجتماعی و زمان‌شناسی است. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله‌نما و قطب‌نماست. توی یک بیابان انسان اگر بدون قطب‌نما حرکت کند... انسان باید بصیرت پیدا کند. این بصیرت به چه معناست؟ یعنی چه بصیرت پیدا کند؟ چه جور می‌شود این بصیرت را پیدا کرد؟... حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آن‌ها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینایی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۸/۸/۸۹).

در حدیث از پیامبر (ص) نقل شده که: «هر کس به آنچه می‌داند عمل کند خداوند آگاهی از چیزهایی را که نمی‌داند روزی او می‌سازد.» (علم اله دی، ۱۴۱۳، ص ۱۰۷) و این همان بصیرت الهی است که در پرتو علم و عمل برای فرد مؤمن حاصل می‌گردد و در اثر تقوا انسان دیده‌خداایی پیدا می‌کند و با چشم‌خداایی می‌بیند، چنانچه در حدیث آمده است: «المؤمن ينظر بنور الله»؛ انسان با ایمان با نور خداوند می‌بیند. (دیلمی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۳۱) بصیرت بسیار نقش مهمی در پیشرفت و موفقیت انسان دارد.

نزد اهل معنا، نیرویی نهانی و قوه‌ای قلبی است که در شناخت حقایق تا عمق وجود و باطن ذات آن رسوخ می‌کند. میان بصر که تأمین‌کننده نور ظاهری و بصیرت که آورنده نور باطنی است، تفاوت بسیار است. نور ظاهری، تنها با بینایی انسان سروکار دارد. خورشید و ماه و چراغ، بیش از این‌که فضا را روشن و بینایی انسان را یاری کند، کاری انجام نمی‌دهد. پس اگر انسانی ناشنوا بود یا در بویایی و لامسه و گویایی خود نقص داشت، با تابش آفتاب و مهتاب و نورهایی از این قبیل، مشکلاتش حل نمی‌شود. اما نور باطن همه نقص‌های «باطنی و معنوی» انسان را برطرف، و تمام دردهای او را، درمان می‌کند.

در صورتی که درون کسی را روشن کرد، ساحت جانش چنان نورانی می‌شود، که هم صحنه‌های خوبی را در خواب و بیداری می‌بیند، هم آهنگ‌های خوبی را می‌شنود، هم رایحه‌های دل‌انگیزی را استشمام می‌کند و هم لطیفه‌های فراوانی را لمس می‌نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱۴، ص ۱۳۲ - ۱۳۱).

بصیرت باطنی و بینایی دل، درجات و مراتبی دارد. اوج آن مرتبه‌ای است که ائمه (ع) دارند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «لو كشف الغطاء ما ازددت يقيناً!» اگر همه پرده‌ها فروافتد، چیزی بر یقین من افزوده نمی‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۲۰۹) اگرچه آن مرتبه از یقین مخصوص اولیای معصوم (ع) است، ولی دیگران نیز می‌توانند مراتبی را تحصیل نمایند. هرکسی نور

باطنی را از فطرت خداداد خویش استخراج کند و چشم و گوشش باز شود، می‌تواند خدا و نشانه‌های او را با «چشم دل» ببیند و صدای تسبیح موجودات هستی را بشنود، که به حکم "يَسْبِحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ" (جمعه/۱) همه آنان که در آسمان و زمین‌اند، تسبیح خدا می‌کنند. بسیاری از واقعیت‌ها را که با چشم سر نمی‌توان دید، با بصیرت مشاهده می‌کند، بلکه توانایی دیدن جهنم و شنیدن صدای زفیر آن را پیدا می‌کند، چنان‌که قرآن می‌فرماید: "كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ، ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ" (تکواثر / ۷-۶-۵).

## ۵- یافته‌های تحقیق

امنیت فرهنگی در حقیقت حفظ سنت‌ها و ارزش‌ها و آداب و رسوم و هویت ملی می‌باشد. مهم‌ترین شاخصه فقر فرهنگی جهل و نادانی است، زیرا تا فردی از شناخت و آگاهی لازم و صحیح نسبت به هستی، جامعه و انسان برخوردار نباشد، به‌طور طبیعی قادر نخواهد بود تغییر و تحولی در اوضاع زندگی خود ایجاد نماید. در آموزه‌های مذهبی خود نیز اگر عمیق شویم خواهیم دید که آگاهی و علم به چه میزان مورد توجه ائمه ما قرار گرفته است؛ که مسلماً اساتید تربیت اسلامی و علمی در حوزه و دانشگاه سهم بسزایی در این آموزش‌ها دارند. در همین رابطه امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «لَعَلِمُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ، الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ»؛ علم و آگاهی انسان را اصل و ریشه هر خیر و جهل و نادانی را اصل و ریشه هر شری می‌داند (رسولی محلاتی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۸۱۸).

اسلام همیشه انسان را، در هر شرایطی مسئول می‌خواند و هیچ‌گاه انسان را رها نمی‌داند. هرچند شرایط بسیار سخت باشد. تاریخ انبیاء و اولیاء همه نشان‌دهنده همین شرایط سخت به همراه آگاهی یابی و تفکر بوده است. انسان، دارای بعد «فرهیخته‌ای» است معنوی و الهی که هم او را به سمت کمال و تعالی برتر سوق می‌دهد و هم حیات زمینی او را سامان حقیقی می‌بخشد. بر اساس جهان‌بینی اسلامی و آیه شریفه "إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً" انسان، جانشین خدا در زمین و موجودی آزاد و خودمختار است؛ و این آزادی و اختیار آنگاه که با آگاهی و دانش‌افزایی و قدرت قرین گردد، مسئولیت را به بار می‌آورد. از این منظر انسان در برابر خدا، خود، انسان‌های دیگر و طبیعت مسئول است. این مسئولیت از سویی سبب می‌شود که انسان در قبال سرنوشت، کمال و سعادت خویش احساس وظیفه کند اگر بر اثر غفلت و ایل جهل و یا ظلم و ستم دیگران و طبیعت، دچار فقر و نداری شود باید برای فرهنگ غنی الهی آمادگی فراگرفتن داشته باشد تا خودش و دیگران را نجات دهد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: "أَلَا كَلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ"؛ شما همه ناظر و راهبر و نسبت به یکدیگر مسئول هستید. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۸) چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: "مَنْ عَرَفَ الْأَيَّامَ لَمْ يَغْفَلْ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ"؛ کسانی که آشنایی با شرایط و اوضاع زمانه دارند، از فراهم کردن و کسب آمادگی‌های لازم غافل نمی‌شوند. (حکیمی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۳۵) و از حضرت امام صادق (ع) چنین روایت شده است: "العالم بزمانه لا تهجم عليه اللوالبس"؛ امور شبهه‌ناک و مشتبه، به کسی که آگاه از زمانش باشد هجوم نمی‌آورد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۲۶۹) کسی که عالم به زمان خود باشد مورد هجوم اشتباهات واقع نمی‌شود.

از آنجایی که مکاتب بشری قدرت اصلاح کامل جامعه و در بصیرت‌افزایی و آگاهی دادن به بشر در فقر-زدایی ناتوان و درمانده‌اند و علناً می‌بینیم که ۸۰ درصد کل ثروت جهان فقط در یک‌دهم مردم دنیاست این در حالی است که ادیان الهی - به‌خصوص دین مقدس اسلام - به این جنبه توجه ژرفی نشان داده و رسالت پیامبران و مصلحان را، اصلاح اخلاقی و معنوی و ساختن فرهنگ انسان قرار داده و راهکار بنیادین و فراگیری ارائه نموده‌اند که اگر حکومت جهانی الهی در سراسر گیتی برپا گردد و با ساخته‌شدن فرهنگ غنی دین الهی فقر هم از جامعه زوده خواهد شد. «بی‌سواد و کم‌سوادی ناآگاهی و جهل به قانون تعداد و تنوع خرده فرهنگ‌ها و توضیح و استفاده نابرابر از امکانات و خدمات آموزشی و فرهنگی در سطوح محلی و ملی و گسترش روزافزون ارتباطات فراملی به پیدایش و تشدید تفاوت‌ها و تعارضات عقیدتی ارزشی و هنجاری در بین افراد گروه‌های اجتماعی منجر می‌گردد.» (عبداللهی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۷) پس یکی از روش‌های زدودن فقر فرهنگی آموزش همه‌جانبه به افراد جامعه است. در عرف عقلا شیوه اصولی و ریشه‌ای برخورد با مشکلات، جلوگیری و یا از بین بردن زمینه‌های پیدایش آن است. همان‌گونه

که همه متخصصان دانش پزشکی اتفاق نظر دارند پیشگیری در بهداشت و درمان آسان‌تر، کم‌هزینه‌تر و مهم‌تر از درمان خود بیماری است. بر این اساس در مبارزه با فقر فرهنگی ابتدا باید ببینیم چه عوامل و زمینه‌هایی موجبات افزایش آگاهی و بصیرت در جامعه خواهد شد، و سپس جهت از بین بردن فقر فرهنگی راهکارهای مقابله با آن عوامل و زمینه‌ها را یاد بگیریم. در این قسمت به بررسی برخی عواملی که آگاهی بخشی و بصیرت در ریشه کردن فقر موثر است می‌پردازیم:

### ۱-۵- فرهنگ استفاده صحیح از فضای مجازی

فقر یک پدیده ذاتی، طبیعی، جبری و تقدیری نیست، بلکه یک امر عرضی بر جامعه و آحاد مختلف آن است که علت اصلی آن را باید در رفتار ستمگران، ظالمان و استعمارگران جستجو کرد و از طرفی فقر فرهنگی را باید ریشه بسیاری از تهیدستان و فقیران جامعه دانست. که راهگشای بسیاری از مشکلات ایجاد فقر فرهنگی، نداشتن بصیرت و آگاهی کافی در فرهنگ صحیح در فضای مجازی است. «فقر فرهنگی هنگامی روی می‌دهد که اشخاص نتوانند منابع کافی برای برآوردن حداقل نیازهای سلامت و کارایی جسمانی را، که اغلب با معیار کالری با درجات غذایی اندازه‌گیری می‌شود، به دست آورند.» (آبراکرامی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۵).

تا زمانی که انسان از نظر اخلاقی و فکری، رشد نیابد و تربیت نشود و به کمال و سعادت واقعی خود نیندیشد و بدان سو گام نهد، تمامی کاستی‌ها، ناراستی‌ها و ناهنجاری‌ها باقی خواهد ماند. برای رسیدن به این مرحله از رشد، انسان باید دارای بصیرت اخلاقی باشد از آنجایی که با کشف اینترنت، ماهواره و راه‌یابی به سفره خانواده‌ها موجب بروز مشکلات عدیده‌ای را فراهم نموده است در حال که شناخت «بصیرت در فرهنگ استفاده از ابزار فضای مجازی» ضرورت و بایستگی آن، می‌توان از آن استفاده بهینه نمود. باید دقت کرد دانشگاهیان و حوزویان در تربیت جامعه در فضای مجازی نقش قابل توجهی دارند.

یکی از علت‌های گرایش افراد به مدهای مبتذل و فرهنگ غرب در کشور در حال توسعه مانند ایران را می‌توان رواج ماهواره در جامعه و کانال‌ها و سایت‌های مخرب دانست و گفت: متأسفانه دست‌هایی شیطانی در کار است و افرادی در جامعه هستند که با خرید ماهواره و عضویت در سایت‌های مستهجن و ضد ارزشی، از ارزش‌های دینی و الهی فاصله گرفته و رفته‌رفته از حیا، عفاف و حجاب دوری گزیدند و حتی کودکان و نوجوانان نیز که در معرض این معضلات قرار سبب برخی ناهنجاری‌ها نظیر؛ بلوغ زودرس، فاصله زوج‌ها، و سپردن تربیت کودکان به فضای مجازی دانست که موجب بروز دچار مشکلات بسیاری در جامعه شده است. که اگر فرهنگ صحیح و بصیرت و آگاهی کافی در جامعه صورت می‌پذیرفت به‌طور یقین از معضلات آن کاسته می‌شد.

یکی از صاحب‌نظران انگیزه‌ها و علل انحراف در جامعه را چنین ارائه کرده است: فرهنگ‌سازی ضد دینی از سوی دولت‌ها و مکاتب برای به انحراف کشاندن نسل‌های رو به رشد، در مدارس و دانشگاه‌ها و نیز رسانه‌ها ارتباط جمعی و اعمال فشار از سوی حکومت‌ها برای وضع و اجرای قوانین مخالف با عدالت و همچنین نیاز مالی به‌طور عام و رقابت‌های سودجویانه به‌طور خاص که باعث می‌شود فرد برای رسیدن به ثروت به هر کاری دست بزند. و از طرفی رقابت‌های رقابت کور اجتماعی و تجمل‌گرایی در مسکن و لباس و اسراف در خوراک و نیز استفاده از امکانات مدرن به دلیل راحت‌طلبی و فخرفروشی بر این معضلات افزوده است که خود، باعث تحریک غریزه جنسی انسان‌ها در اشکال مختلف شده است. (صدر، ۱۳۹۵، ص ۴۵۶) در صورتی که می‌توان با آموزش درست و به هنگام و بهینه‌سازی فرهنگی جلوی فقر را گرفت که به آن معضلات جامعه ایجاد نگردد بلکه در کنار آن، با استفاده درست موجب فقرزدایی نیز گردد. به‌عنوان نمونه حتی در زمینه کارآمد کردن سرانه مالی با به دست آوردن آگاهی و بصیرت درست می‌شود به فقرزدایی کمک شایانی کرد. مثلاً کشور «کنیا» پس از گذشت ۱۰ سال از معرفی محصول خود در فضای مجازی در سال ۲۰۰۷ معادل ۵ میلیون کاربر حدود ۱۰ درصد از خانوارهای کنیایی را جذب کرد. دستاورد خارق‌العاده این محصول آن است که توانسته است ۱۹۴ هزار خانوار را از فقر مطلق نجات دهد به نظر می‌رسد که فناوری‌های و استفاده بهینه از فرهنگ آن می‌تواند اثرگذاری معناداری در بهبود دسترسی افراد به بازارهای مالی و زدودن فقر داشته باشند.

### ۲-۵- افزایش ایمان و معنویت

ایمان و رسیدن به قله رفیع معنویت فقط با نماز و روزه و بقیه عبادات کسب نمی‌شود؛ بسیاری از موارد، اخلاقیات و فضائل

در کسب این معرفت سه‌مینند، مدعیان این آموزش «حوزه و دانشگاه» در بصیرت‌افزایی فقر فرهنگی حکم روشنی چراغ این مسیر می‌باشند. حضرت علی (ع) در خطبه ۱۵۶ نهج‌البلاغه می‌فرماید: راه خدا روشن‌ترین راه، و پرفروغ‌ترین چراغ است. به ایمان بر اعمال شایسته استدلال می‌شود، و به اعمال شایسته بر ایمان دلیل می‌آورند، ساختمان علم با ایمان آباد می‌گردد، و انسان به سبب دانش از مرگ هراسان می‌شود، و با مرگ دنیای آدمی پایان می‌پذیرد، و با دنیا آخرت به دست می‌آید، با قیامت بهشت برای پرهیزکاران نزدیک، و دوزخ برای گمراهان آشکار می‌گردد، مردمان را چاره‌ای از قیامت نیست، که در میدان مسابقه آن با سرعت به‌جانب آخرین جایگاه روان می‌شوند. (خطبه/ ۱۵۶)

مسئله ایمان از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به جهات گوناگون آن می‌شود به آن نگاه کرد، یکی از کارکردهای ایمان، افزایش آگاهی و بصیرت، دین‌باوری است که نقش زیادی در فقرزدایی و ریشه‌کن کردن فقر دارد که با انجام واجباتی نظیر؛ گسترش امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری، الگوسازی صحیح فرهنگ علوی، پاسداشت سنت‌های صحیح گذشتگان، مصون‌سازی از طریق خودباوری و برقراری عدالت، در جلوگیری بی‌کاری در جامعه بسیار مؤثر است. علم، آگاهی و بصیرت، عامل ایمان است، اما تمام ایمان نیست. ایمان بدون معرفت حاصل نمی‌شود، ولی ظرف آن را تنها علم پر نمی‌کند. آیه قرآن می‌فرماید: "وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ غُلُوبًا" و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، درحالی‌که در دل به آن یقین داشتند!!" (نمل/ ۱۴) پس مراجعه به متون دین اسلام، علاوه بر تحکیم بنیادهای ذهنی و معنوی، سراج منیری در دستیابی به عمق دیدگاه‌های این مکتب در رابطه با انسان، جامعه خواهد بود. به خاطر این‌که، نگارش دینی به منبع زلال وحی متصل است. حتی حوادث اجتماعی، که از طریق مطالعه و تحقیق در ادبیات دین به ذهنیت علمی جویندگان شریعت انتقال می‌یابد و به آنان، اطمینان و اعتبار می‌بخشد. از آنجایی‌که انسان خواهان خوشبختی و سعادت در دنیا است، نیازمند ابزاری برای رسیدن به این سعادت است؛ این ابزار چیزی جز رشد معنوی افزایش ایمان نیست؛ همان‌طور که رهبران بزرگ دین از جمله امام اول شیعیان علی ابن ابی‌طالب (ع)، به آن اشاره داشتند. حضرت می‌فرماید: "الفکر یهدی الی الرشد" فکر، عامل هدایت آدمی به رشد است. (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ۵۰) گاهی عدم آگاهی‌های لازم به قوانین و احکام الهی، و یا بر اثر غفلت و جهالت، موجب غرق شدن انسان در منجلاب گناه می‌گردد، نگرش و عملکرد انسان دگرگون می‌شود و برخی موارد دلایل فقر به علت نداشتن بصیرت کافی است که گناه موجب ازدیاد فقر و تنگدستی می‌شود، در نقطه مقابل ایمان و تقوا سبب افزایش نعمت، خیروبرکت در زندگی انسان می‌گردد. همان‌گونه که خدای متعال می‌فرماید: "وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ" (اعراف/ ۹۶) اگر مردم در جامعه‌ای ایمان علی (ع) می‌فرماید: «لَا عِبَادَةَ إِلَّا لِلَّهِ هِيَ عِبَادَتِي مِثْلَ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۱۴۶). مشکل اساسی و همیشگی بشر، فقر دانش نیست بلکه فقر استفاده از فرهنگ درست و عدم پیوند علم و عقل با خلق‌و‌خوی انسانی است. یک نگاه گذرا کافی است تا این حقیقت را اثبات نماید که سوختن صدها میلیون انسان جهان‌سومی در ورطه اعتیاد، بیماری، فقرهای‌های مدرنیته چون ایدز، کرونا، اعتیاد، ... عاملی جز فقر فرهنگی نیست. در میان همه جوامع انسانی که به‌نوعی فقر حکم فرماست، کمبود نگاه بصیرتی احساس می‌شود. «این آتش افتاده به جان انسان‌های مستضعف، و فقیر بیشتر معلول فقر اخلاقی در میان جوامع پیشرفته و به‌ویژه رهبران و سردمداران آنها است. انسان بدون اخلاق تربیت واقعی و بدون شکوفایی استعدادهای درونی و ابعاد روحی و فطری یعنی، انسان فاقد همه‌چیز. هر چه پیشرفت علم و صنعت بیشتر باشد، نیاز به رعایت اخلاق شدید می‌شود.» (محمدی حائری، ص ۱۵).

همچنین یکی دیگر از علل فقر ارتکاب گناه می‌باشد معصومان گناه را سبب کم شدن روزی انسان و از عوامل فقر می‌دانند. امام رضا (ع) می‌فرماید: «همانا مؤمن نیت گناه می‌کند و از رزقش محروم می‌شود» (حر عاملی، ۱۳۱۴، ج ۱، ص ۵۸). امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: از گناهان پرهیزید، زیرا هیچ بلا و کم شدن روزی حتی خراش‌ها و زخم‌های بدن و سقوط و افتادن و هر

۱. " سَبِيلٌ أُنْفَجُ الْمُنْهَاجِ أَنْوَرُ السَّرَاجِ فَبِالْإِيمَانِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الصَّالِحَاتِ وَ بِالصَّالِحَاتِ يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ وَ بِالْإِيمَانِ يُعْمَرُ الْعِلْمُ وَ بِالْعِلْمِ يُرْهَبُ الْمَوْتُ وَ بِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا وَ بِالذُّنُوبِ تُحْرَقُ الْآخِرَةُ وَ بِالْقِيَامَةِ تُزَلَفُ الْجَنَّةُ وَ تُبْرَزُ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ وَ إِنَّ الْخَلْقَ لَا مَقْصَرَ لَهُمْ عَنِ الْقِيَامَةِ مُرْقَلِينَ فِي مِضْمَارِهَا إِلَى الْغَايَةِ الْقُضُوي" .

مصیبتی از گناهان سرچشمه می‌گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۳۵۰) اگر انسان به واسطه شناخت متون الهی به حقیقت ایمان دست یابد، خواهی نخواهی از گناه دوری می‌گزیند و این شناخت مرتبه ایمانی دژ محکم برای بشریت است که هم از گناه بگریزد و هم فرهنگ درست و غنی به دست آورد تا با فقر فرهنگی مبارزه کند.

امام خطاب به محمد بن حنفیه می‌فرماید: «فرزندم! از فقر بر تو می‌ترسم، از آن به خدا پناه ببر! زیرا فقر دین انسان را ناقص و عقل و اندیشه او را مشوش و مردم را نسبت به او، و او را نسبت به مردم بدبین می‌سازد.» (حکمت / ۳۱۹) بر اساس این بیان نورانی امام، فقر آثار بسیار بدی را بر عقل و دین انسان برجا می‌گذارد. چنان‌که در روایت دیگر می‌فرماید: «از دست رفتن دین، سبب نابودی امنیت است و با ترس و وحشت، زندگی مفهومی ندارد، و زوال عقل سبب زوال زندگی است و جامعه بی‌خرد را جز با مردگان نتوان قیاس کرد.» (همان) پس فقر خطرناک‌ترین بیماری است که جامعه را تهدید می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «الجهل یغوی و یردی» جهل گمراه می‌کند و هلاک می‌گرداند» (رسولی محلاتی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۵، ح ۲۱۷۳)؛ جاهل، نیروی تعقل خود را به کار نمی‌برد تا با مشاهده خلقت جهان ... به وجود پروردگاری یکتا پی برد؛ به همین سبب به انواع گناهان آلوده می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «الجهل یفسد المعاد: جهل و نادانی آخرت را نابود می‌کند» (همان، ۱۳۷۸، ص ۳۹، ح ۶۵۰). از آثار ایمان دینی و متعلق آن دگرگونه کردن حالت‌های بشری و گسستن همه قیدوبندهای اسارت و در آغوش کشیدن حریت و آزادی است. با تحقق ایمان دینی و به میان آمدن متعلق آن در کل محاسبات آدمی، وجود او چنان دگرگونی وجودی را از سر می‌گذارند که همه وضعیت‌های یادشده تغییر می‌کنند. انسان مؤمن آن وابستگی واقعی و ناب را کشف می‌کند که دیگر وابستگی‌ها را از شهود آن بازمی‌داشت و با دریافت آن وابستگی از همه وابستگی‌ها نجات می‌یابد و به ساحل اطمینان و قرار می‌رسد. تنها با ورود به منطقه ایمان قدرت تشخیص مزایای انسانی به دست می‌آید.

### ۳-۵- سالم‌سازی خانواده‌ها

خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به‌عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند، فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاص زندگی می‌کنند. نهاد خانواده را از مهم‌ترین جایگاه‌های زمینه‌ساز شکوفایی استعدادها است تا فضای خانه را آکنده از محبت، عاطفه، عشق و معنویت شود و فرزندان بتوانند در این فضای سالم و خالی از آلودگی به رشد و تعالی دست یابند. در برخی از خانواده‌ها پدر، مادر یا هر دو بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ والدین ... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در آن دسته از خانواده‌هایی که با معضل طلاق و جدایی مواجه می‌شوند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست می‌دهند، هیچ هدایت‌کننده‌ای در جریان زندگی نداشته، در برخی از موارد به دلیل نداشتن پناهگاه جدید در دریای مواج اجتماع، اسیر شیادان فساد می‌گردند و فقر فرهنگی خانواده در فشارهای روانی و روحی بر دختران و پسران نوجوان و جوانی که در این شرایط قرار دارند، می‌گذارد، اینجاست که باید برای تنظیم خانواده سالم، بصیرت دینی را بالا برد تا از افزایش فقر فرهنگی جلوگیری کرد که نهاد حوزه و دانشگاه بالاترین برای ایجاد، فرهنگ بصیرت‌افزایی، می‌توانند به آموزش اقشار مختلف خصوصاً فرهیختگان، بپردازند تا به‌صورت پلکانی این شناخت صورت بپذیرد.

باوجود اینکه ساختار فرد در خانواده و نقش‌های خانوادگی، شکل می‌گیرد و اهمیت خانواده از این روست که نه‌تنها محیط مناسبی برای ساخته‌شدن فرهنگ‌ها به شمار می‌آید و وظیفه جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های آتی را نیز بر عهده دارد. اهمیت والای خانواده زمانی بهتر درک می‌گردد که به کارکردهای اساسی و بنیادین آن توجه کنیم. یکی از این کارکردهای اصلی، تکوین و شکل‌دهی شخصیت‌های انسان‌هاست. خانواده همیشه و همه‌جا و در بین تمامی جوامع بشری به‌عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی زیربنای جوامع و منشأ فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم (ع)، باورها و اعتقادات نقشی اساسی در خانواده‌دارند انسان موجودی تربیت‌پذیر و قابلیت رشد و بالندگی داراست. بدین جهت حرکات و صفات او، مورد توجه مکاتب اخلاقی، عرفانی و تربیتی بوده است و آیین اسلام، آیینی جامع و کامل است زندگی را با پشتوانه امور اعتقادی و بینش‌ها مورد ارزیابی قرار می‌دهد، و پیامبران نیز بیشترین تلاش و همت خود را مصروف در رشد رفتارها و عادت‌ها

و پندارهای مردم کرده‌اند یعنی، مردم یک سری عادت‌ها و رفتارهای نابهنجار و مشکل‌ساز دارند که هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی، منشأ بسیاری از کاستی‌ها، ناملایمات، تخریب‌ها و تحقیرها خصوصاً ایجاد فقر و تنگدستی است.

سبک زندگی خانوادگی در آیین اسلام همانند درختی است که ریشه‌ها و ساقه‌های آن بینش‌ها و نگرش‌های اعضای خانواده و شاخه‌های آن را وظایف اعضای خانواده تشکیل می‌دهد. بر این اساس، قلمرو سبک زندگی خانوادگی بسیار گسترده می‌باشد. باور به خدا، همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد. فردی که خدا را ناظر و همراه خود و حتی از رگ گردن خود به خویش نزدیک‌تر می‌بیند: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا تَوْسُوْسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ: ما انسان را آفریدیم و سوسه‌های نفس او را می‌دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم» (ق/۱۶)، تلاش می‌کند تا در برخورد با رفتار فردی و اجتماعی که آکنده از فرهنگ ساخته‌شده خانوادگی است رضایت خداوند را جلب کند؛ هیچ ظلمی را روا نمی‌دارد و حق هیچ مظلومی را ضایع نمی‌کند، هرچه زمینه شناخت خانوادگی قوی‌تر باشد برای مهار رفتاری اعضای خانواده در از بین بردن فقر فرهنگی بهتراست و مشکلات فرد کمتر خواهد بود. بنابراین، بصیرت و افزایش آگاهی در همه امور زندگی از آثار درست کردن فرهنگ‌ها در خانواده است که فرد را در برابر فائق شدن بر مشکلات یاری می‌رساند.

برای داشتن جامعه‌ای سالم و زدودن فقر در جامعه، نمی‌توان آگاهی و دانش خانواده را نادیده گرفت، زیرا عدم آگاهی و بصیرت افراد خانواده، سبب می‌شود که روابط اجتماعی خود با دیگران رفتاری نابهنجار داشته باشد و حتی برای درآمدزایی برای معیشت دچار مشکلاتی شود، تنها با شناخت جامع و کامل این اهم و با شناسایی و شناخت عوامل دخیل در آن می‌توان آن را فقر را تحت کنترل درآورد و آن را کاهش داد، اندیشه و ایده اصلی این رویکرد آن است که رفتار شخص محصول یادگیری‌های او در محیط گرم و صمیمی در داخل خانواده است پس شناسایی مکانیزم‌های دانش و بصیرت و عوامل مستعد کننده آن، زمینه لازم را برای برنامه‌ریزی و داشتن جامعه و خانواده‌ای سالم فراهم می‌آورد. اندیشه و ایده اصلی این رویکرد آن است که رفتار شخص محصول یادگیری‌های پیشین اوست. بنابراین صحبت کردن با چهره بشاش موجب می‌شود تا رایحه دل‌انگیز دوستی، فضا و محیط خانه و خانواده را معطر گردیده و محیط رشد زیبایی فرهنگی صورت پذیرد. امام متقیان علی (ع) می‌فرمایند: «أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ؛ زیبا خطاب کنید، تا جواب زیبا بشنوید» (رسولی محلاتی، ۱۳۷۸، ص ۴۳۶)

در این باره نیز امام سجاد (ع) در رساله حقوق فرمودند: «حقّ فرزند تو این است که بدانی او از توست و در پسند و ناپسند دنیای زودگذر دنباله‌روی توست و به‌درستی که تو در تربیت نیکو و راهنمایی به‌سوی پروردگارش و یاری‌رسانی او در درمان‌پذیری از خداوند نسبت به خویشتن و حقّ فرزندت پرسیده خواهی شد. پس [اگر وظایف‌ها را به انجام رسانی،] پاداش گیری و [چون کم‌کاری کنی،] بازخواست شوی. پس کار فرزندت را چنان کسی که کارش را در این سرای زودگذر با نیکو ثمری بیاراید، انجام بده و در روابط تو و فرزندت به سبب نگهداری خوب و ثمر الهی که از او گرفته‌ای، نزد پروردگار عذرت پذیرفته است» (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ج ۱۲، ص ۴۶۱).

در خانواده‌های صمیمی و موفق، همواره بستر لازم برای گفت‌وگوهای شاد و جذاب فراهم است. نگرش مثبت به مسائل، دادن فرصت اظهار بیان برای تک‌تک اعضای خانواده و رعایت اصل مهارت گوش دادن بدون قضاوت و پیش‌داوری و ارزیابی سریع، سبب رشد و احساس هویت و شخصیت خانواده را به دنبال دارد. متأسفانه با همه‌گیر شدن تکنولوژی و فناوری، از جمله اینترنت و ماهواره و... ارتباط کلامی خانواده‌ها به کمترین حدّ خود نزدیک می‌شود و به عبارتی بهتر خانواده از یک فضای صمیمی، ارتباط نزدیک، تبادل افکار و حل مشکلات به سپری کردن اوقات در زیر یک سقف مبدل گشته است.

#### ۴-۵- اشتغال مناسب

آیات و روایات فراوانی مسلمانان را به کار و تلاش و تجارت و کسب مال حلال سفارش کرده و جامعه را از فقر و تنگدستی بر حذر داشته، فقر را خطرناک‌ترین دشمن تکامل انسانی و موجب عقب‌ماندگی فکری و انحطاط عقلی و اخلاقی و باعث از دست رفتن سلامت جسمی معرفی کرده است.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: از فقر به خداوند پناه ببرید که باعث عقب‌ماندگی و نارسایی در امور دینی و موجب پشیمانی عقل و

نارسایی فکر است. (حر عاملی، ۱۳۱۴، ج ۱۲، ص ۶-۸) نظیر احادیث مذکور را از مسئله اقتصاد و فقرزدایی به قدری دارای اهمیت است که از آن حضرت نقل شده: "فلو لا الخلیز ما صلینا و لا صمنا و لا آدینا فرائض رتبا؛ (همان، ۱۳۱۴، ج ۱۲، ص ۷) اگر نان نبود - و شکم‌ها گرسنه بود - از نماز و روزه و انجام سایر فرائض و واجبات خبری نبود". باوجود اینکه اقتصاد و حل مشکل فقر و بیکاری اهمیت فراوانی دارد، ولی بدتر از فقر، نداشتن برنامه صحیح اقتصادی و جدولی متناسب با درآمدها برای مخارج و هزینه‌های زندگی است. خطری که اسراف و ریخت‌وپاش‌ها، زندگی فرد و جامعه را تهدید می‌کند، به مراتب زیادتیر از فقر است. افزایش هزینه‌های اقتصادی برای خانواده‌هایی که توانایی مادی محدودی دارند، شرایط فرهنگ را سخت‌تر می‌کند.

تن به کار ندادن، یکی از عوامل فقر دانسته شده و توصیه شده که در زندگی روزمره تلاش و کوشش شود. پیامبر (ص) فرمود: "ملعون من القی کله علی الناس" (همان، ۱۳۱۴، ج ۱۷، ص ۳۲، ح ۱) از رحمت خدا دور است کسی که بار زندگی‌اش را بر دوش دیگران می‌گذارد.

رمز موفقیت هر کس، داشتن طرح و برنامه صحیح متناسب با موقعیت خود و جامعه و تنظیم مخارج زندگی است. در سطح کلان نیز کشورها با تنظیم برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به سامان‌دهی وضعیت اقتصادی خود می‌پردازند. بنابراین بی‌برنامگی یا برنامه‌ریزی نادرست به پیدایش فقر در سطح افراد و جوامع می‌انجامد. به همین جهت علی (ع) نداشتن برنامه در زندگی و سوء تدبیر را عامل فقر دانسته است (حکیمی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۳۱۸). امام صادق (ع) می‌فرماید: تضمین می‌کنم، هر کس در زندگی خود اقتصاد را رعایت کند، هرگز فقیر نشود (همان). امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «درخواست از دیگران کلید فقر است و روزی را نابود می‌کند» (حکمت ۲۲۶).

یکی دیگر از اسباب زدودن فقر فرهنگی، کسب روزی و فراهم نمودن هزینه اقتصادی خانواده است چون فقر موجب جهل می‌شود، و شکل‌گیری باور درست‌دینی، نیازمند سواد و آموزش است، درحالی‌که بسیاری از فقرا از تحصیل این نعمت ابتدایی و اساسی محروم‌اند. برای رشد فکر و اندیشه باید بسیاری از تسهیلات فراهم شود. بی‌کاری بلای اجتماعی، اقتصادی شناخته‌شده‌ای است که موجب از دست دادن حیثیت و کاهش تولید و پس‌انداز می‌انجامد و از عوامل مهم پیدایش و تشدید فقر شمرده می‌شود، از مهم‌ترین معضلاتی که هر جامعه‌ای را تهدید می‌کند، مسئله اساسی فقر است، این پدیده شوم بیشتر بر بیکره کشورهای جهان سوم سایه افکنده است. که شناسایی آیتم‌های مختلف مشکلات اقتصادی، به دست‌ان پر توان حوزویان و دانشگاهیان صورت می‌پذیرد.

در قرآن کریم فقر به‌عنوان عامل منفی در زندگی انسان معرفی شده است. لذا خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَوَجَدَكَ غَائِبًا فَأُعْتَبِي، خداوند تو را فقیر یافت، سپس توانگر نمود» (ضحی / ۸) یعنی خداوند بر پیامبر (ص) منت نهاده و او را از حالت فقر درآورده و غنی می‌نماید. اگر فقیر بودن و فقر ارزش بود، غنی کردن پیامبر نمی‌توانست به‌عنوان یک ارزش باشد که خداوند بر او منت گذارد.

در آیه‌ای دیگر در همین سوره می‌فرماید: «وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ خداوند تو را گمراه یافت و سپس هدایت کرد» (ضحی / ۷) با توجه به این آیه معلوم می‌شود که قرآن علاوه بر فقر مادی، فقر فکری را هم سبب گمراهی و ضلالت می‌داند. پس بهترین روش فقرزدایی اقتصادی، ابتدا بصیرت‌افزایی و آگاهی بخشی درست، سپس دنبال کردن کسب‌وکار مناسب مطابق با توانایی فردی و نیاز اجتماعی و خانوادگی است. و این مهم فقط با آموزش درست با ساخته‌شدن فرهنگ فردی و اجتماعی میسر می‌گردد.

کارشناسان بر این نظرند که پرخاشگری خانوادگی در بین بیکاران بیشترین میزان و در بین بازنشستگان کمترین میزان را نشان دهد، چون از یک‌طرف افرادی که بیکار هستند، به علت ضعف موقعیتشان دارای روحیه شکننده می‌شوند و این امر آنان را دچار آسیب جدی خصوصاً در بخش فرهنگی می‌کند.

اسلام فقر مادی را یک پدیده غیرطبیعی می‌داند که علت بسیاری از فقرها تنبلی و عدم پشتکار افراد است. همچنین بی‌برنامگی یا برنامه‌ریزی نادرست به پیدایش فقر در سطح افراد و جوامع می‌انجامد. به همین جهت امام علی (ع) نداشتن برنامه در زندگی و سوء تدبیر را عامل فقر دانسته است.

## ۵-۵- آموزش همگانی

اعتلای فرهنگی و سطح آگاهی‌ها و شناخت مردم در یک کشور یکی از شاخص‌های توسعه انسانی در جهان است اگر نهادهای مختلف اجتماعی نظیر آموزش عالی «حوزه و دانشگاه» و آموزش و پرورش دست در دست هم دهند، می‌توانند ریشه فقر را شناسایی و در رفع آن به مسئولین مدد برسانند. گروهی از مردم کشورهای جهان سوم در اثر تبلیغات مسموم کشورهای ثروتمند، دچار باورهای غلط شده‌اند که نتیجه‌ای جز عقب‌ماندگی و فقر ندارد خودباختگان چنین می‌پندارند که کشورهای جهان سوم از نوآوری استعداد و نبوغ بی‌بهره‌اند و همیشه باید منتظر بمانند تا نظریه‌های علمی و اختراعات و اکتشافات از سرزمین‌های توسعه‌یافته به سمت جهان سوم سرازیر شود. انحصاری بودن دانش و فن‌آوری: کشورهای توسعه‌یافته اغلب به جهت خوی استعمارگرانه‌شان از انتقال این ابزارها به جهان سوم جلوگیری می‌کنند یکی دیگر از نقشه‌های استعمار در جهان سوم فراهم ساختن زمینه برای فرار مغزهاست نتیجه این فعالیت‌ها عقب‌ماندگی و فقر بیش‌تر این کشورهاست.

در منطق قرآن و روایات اهل‌بیت (ع) علت فقر در نقطه مقابل این رهیافت‌ها مطرح شده و فقر امری شیطانی و ثروت و فضل و رحمت الهی شمرده شده است. قرآن کریم می‌فرماید: "الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ" (بقره/۲۶۸) شیطان به شما وعده تنگدستی و فقر می‌دهد و به بدکاری وامی‌دارد و خدا از جانب خویش آمرزش و فروزی و فضل وعده می‌دهد که خدا گشادگی بخش و دانا است.

بنابراین مبارزه با فقر یک «مبارزه همگانی» است: «اللَّهُم اغن كل فقير. اللهم اشبع كل جائع. اللهم اكس كل عريان». این دعا فقط برای خواندن نیست؛ برای این است که همه خود را برای مبارزه با فقر و مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره محرومان و مستضعفان موظف بدانند. این مبارزه، یک وظیفه همگانی است. در آیات قرآن می‌خوانیم: "أرأيت الذي يكذب بالدين. فذلك الذي يدع اليتيم. و لا يحضّ علی طعام المسكين" یکی از نشانه‌های تکذیب دین این است که انسان در مقابل فقر فقیران و محرومان بی تفاوت باشد و احساس مسؤولیت نکند. «بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۰۹/۱۵».

فقر در روایات به «موت اکبر» به منزله «کفر»، «سرگردانی عقل»، «نقص در دین» و... تعبیر شده است. و رویارویی و مبارزه با آن نیز وظیفه است و حکومت، جامعه و افراد مکلف هستند با این پدیده شیطانی و سمبل ظلم و ستم مبارزه کنند.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «فقر و تهیدستی، مرد زیرک را در برهان، کند و ناتوان می‌سازد و انسان فقیر در شهر خود نیز غریب و بیگانه است» (حکمت/۳).

امام علی از سنگینی و ذلت و خواری فقر به خدا پناه می‌برد، آنجا که می‌فرماید: «پروردگارا آبرویم را بایی نیازی نگهدار و شخصیتم را در اثر فقر ساقط مگردان که از روزی خواران تو درخواست روزی کنم و از اشخاص پست خواستار عطف و بخشش باشم، به ستودن آن کس که کمکم می‌کند مبتلا گردم، و به مذمت و بدگویی از آنکه به من نمی‌بخشد آزمایش شوم، و تو در ورای همه این‌ها سرپرست منی که ببخشی و یا منع نمایی، و تو بر همه چیز قادری» (خطبه ۲۲۵)

امام باقر (ع) می‌فرماید: "لا فقر كفقر القلب و لا غنى كغنى الفقير" (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۰۸) یکی از عواملی که در فقر روحی مؤثر است، تبلیغ فرهنگ مصرفی و ترویج کالاهای لوکس و تجملی در جامعه است. مهم‌ترین شاخص فقر فرهنگی جهل و نادانی است. زیرا تا کسی از شناخت و آگاهی لازم و صحیح نسبت به هستی، جامعه و انسان برخوردار نباشد، به‌طور طبیعی قادر نخواهد بود، تغییر و تحولی در اوضاع زندگی خود ایجاد نماید. علی (ع) علم و آگاهی انسان را اصل و ریشه هر خیر و جهل و نادانی را اصل و ریشه هر شری می‌داند. بنابراین مبارزه با جهل و نادانی در واقع مبارزه با فقر فرهنگی به حساب می‌آید.

انسان موجودی است اثرگذار، ولی اثرپذیری او باعث شده است که موجودی قابل‌انعطاف باشد. نفس انسان در آغاز سالم صاف و بی‌آلایش است و می‌تواند تحت تعلیم و تربیت‌های گوناگون قرار گیرد. «فقرا برای رهایی از فقر باید در جهت تغییر رفتار و ارزش‌هایشان آموزش ببینند، چون الگوی رفتاری و ارزشی آن‌ها از طریق نسل‌ها به‌وسیله جامعه‌پذیری درونی شده است.» (افروغ، ۱۳۷۶، ص ۲۳۲).

همچنین چون انسان دارای انتخاب و اراده است و هم قدرت اختیار داشته و هم آزاد است می‌تواند ماهیت‌های متفاوت و مختلف پیدا کند و این تعلیم و تربیت است که آینده و سرنوشت انسان را می‌سازد و مسیر زندگی وی را تعیین می‌کند. «اگر تربیت و تعلیم بر اساس فطرت پاک و استعداد‌های درونی عالی او باشد، در این صورت او یک انسان پاک و وارسته و متخلق به اخلاق اسلامی به بار خواهد آمد و اگر تربیت شخصی مبتنی بر، فساد اخلاقی و معیارهای غیر الهی باشد، از وی فردی فاسد و بی‌ایمان ساخته خواهد شد (امینیان، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

حضرت علی (ع) در تقسیمات جامعه‌شناسانه مردم را با تکیه به دانش و تربیت تقسیم کرده و در حکمتی نورانی فرموده است: «مردم سه دسته‌اند: دانشمندی، و آموزنده‌ای بر راه رستگاری، و گروهی مثل پشه‌هایی که دست‌خوش با دو طوفان هستند و همیشه سرگردان‌اند که به دنبال هر سروصدایی می‌روند» (حکمت / ۱۴۷) انسان با دو بال علم و اندیشه و تربیت و تزکیه، به رشد و کمال می‌رسد او با ابزار علم و خرد، بر جهان بدعت و جهالت ویرانگر خود فائق می‌آید و با تهذیب و تزکیه نفس، هر چه بیشتر با خود و خدای خود آشنا شده، بر نفس پیروز می‌گردد و به کمال شایسته خود می‌رسد.

حضرت امام خمینی بنیان‌گذار انقلاب اسلامی می‌فرماید: «خودمان را تربیت نکنیم، مشکلاتمان همه رفع می‌شود. همه مشکلات این است که ما تربیت نشده‌ایم یک تربیت الهی و تحت بپرق اسلام درنیامدیم به‌واقع همه این کشمکش‌هایی که شما ملاحظه می‌کنید، همه این کارشکنی‌ها... همه هنوز تربیت نشدیم.» (امام خمینی، ج ۱۳، ص ۵۷۷).

اگر تربیت به شکل همگانی در فضای مجازی، رسانه‌ای و یا به‌صورت چهره به چهره در اماکن متبرکه عمومی، مساجد و تکایا و پایگاه‌های بسیج و... توسط مبلغین، نهادها، سازمان‌های مختلف، به‌طور دائم صورت پذیرد، ریشه فقر فرهنگی از جامعه رخت می‌بندد ولی کارهای صورت گرفته است؛ لیکن به علت مستمر و مداوم نبودن این برنامه‌ها آن نتیجه‌ای که انتظار می‌رفت بر بار ننشست.

یکی دیگر از کارشناسان، در رابطه با ساخته‌شدن فرهنگ همگانی می‌گوید: «در میان چندین عنصر ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی دو عنصر آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این دو عنصر گرچه در موقعیت‌های عینی جامعه درهم‌آمیخته‌اند ولی در تحلیل‌ها از هم مجزا هستند. اولین عنصر شامل اهداف، منافع و برنامه‌های تعریف‌شده فرهنگی هستند که برای تمام یا بخش عمده و گوناگونی از اعضاء یک جامعه به‌عنوان اموری مشروع شناخته شده‌اند... دومین عنصر ساخت فرهنگی شامل تعریف، تنظیم و کنترل راه‌ها و شیوه‌های قابل دسترسی است که رسیدن به چنین اهدافی را میسر می‌سازد...» (تنهایی، ص ۷۳-۷۲).

از آنجا که فقر پدیده‌ای اقتصادی است، به‌طور طبیعی در حوزه اقتصاد آثاری ویرانگر برجای می‌نهد. این پدیده چنانچه به‌موقع شناسایی و نابود نشود، چون غده‌ای سرطانی گسترش یافته، جامعه را فرامی‌گیرد و به مرگ اجتماع می‌انجامد؛ به تعبیر جامعه شناسان، فقر، فقر می‌زاید و به‌طور معمول فرزندان فقرا در محرومیت باقی می‌مانند.

حقیقت این است که در حالت عادی، شکل‌گیری باور درست‌دینی، دست‌کم نیازمند سواد و آموزش است که ارگان علمی جامعه حوزه و دانشگاه باید این باور درست را ایجاد کنند، درحالی‌که بسیاری از فقرا از تحصیل این نعمت ابتدایی و اساسی محروم‌اند. برای رشد فکر و اندیشه باید بسیاری از تسهیلات فراهم شود امید است جامعه امروزی توان آموزش همگانی برای درست کردن فرهنگ صحیح برای زدودن و ریشه‌کنی فقر را داشته باشد.

## ۶-۵- وظایف مسئولین حکومتی

فرهنگ‌سازی و بصیرت‌افزایی در ضریب امنیت اجتماعی که مسئولین حکومتی، در جامعه ایجاد می‌کند، بیش از هر نهاد فرهنگی و اجتماعی دیگر تاثیرگذار است. علم می‌تواند جوامع را به قله سعادت رسانده و ما در عرصه‌های مختلف به خودکفایی برساند. مسئولین باید به‌طور جدی موضوع بیکاری، فقر فرهنگی و ضعف اقتصادی را مدنظر قرار دهند. امروزه تعهدات دولت در حوزه فقرزدایی از مهم‌ترین موضوعات دولت‌های حاضر بوده است و فقر که یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیشروی دولت‌ها و جامعه جهانی تلقی می‌شود؛ موجب گردیده راهکارهای متنوع و گاه متضادی نیز جهت رفع آن توسط دولت‌های متعهد به

کار گرفته شود. مبارزه با فقر، رسالت بسیار سنگینی است که دولت به‌تنهایی موفق به انجام آن نیست ولی مسئولین حکومتی با کمک حوزه و دانشگاه و با برنامه صحیح، می‌توانند تا حدود زیادی به ریشه‌کنی فقر فرهنگی کمک می‌کنند. در بسیاری موارد فساد اداری نیز ریشه در فقر و نداری دارد بلکه ریشه آموزش در نهادهای علمی به شکل صحیح صورت نگرفته است. حوزه نهادی باشد که کار به سیاست داخلی نداشته و دانشگاه به‌تبع نداند نیاز اقتصاد اجتماع چیست؟ این معضل در هر جامعه‌ای به وقوع می‌پیوندد. حضرت علی (ع) توصیه می‌فرماید برای کم کردن فساد اداری باید کارمندان ادارات تأمین شوند: «آنگاه روزیشان را به فراوانی بر آنان ببار که این نیروی خودسازی آن‌هاست و هم از دست یازیدن به آنچه در اختیاردارند، عامل بی‌نیازی و نیز برهانی بر ضد آن‌هاست. اگر از فرمانت سر پیچند، یا به امانت خدشه‌ای وارد کنند.» (معادخواه، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۴۰۲۴) حضور مسئولین و نظارت مستمر، در شوراهای روستایی، شوراهای حل اختلاف، دادگاه‌های عمومی و دادگاه‌های خانواده، زندان‌ها در شهرستان‌ها و مناطق عشایری، جاهایی که به خاطر فقر فرهنگی و حاکمیت فرهنگ جاهلی، آشکارا می‌توان به گرفتاری‌ها در زندگی مردم پی برد. و نظارت همگانی دائم باعث معرفت به فقر فرهنگی می‌شود.

که یکی از برنامه‌های ریزی‌های حاکمان، در جهت آموزش فرهنگی، آموزش مصرف است که در رسانه‌های عمومی به‌راحتی قابل اجراست و در جهت نفی قطع و جریمه کردن افراد پرمصرف است. «برای اصلاح نظام مصرفی کشور، علاوه بر راه کارهای ایجابی (اقدامات سازنده و آگاهی‌بخش) استفاده از راه کارهای سلبی (برخورد و محدودسازی بعضی از اشکال مصرف) نیز ضروری است. در حال حاضر برخی از سازمان‌های دولتی اقداماتی در این زمینه انجام داده‌اند؛ برای مثال سازمان آب برای کاهش و کنترل مصرف این کالای حیاتی، با مشترکین پرمصرف برخورد می‌کند و علاوه بر محاسبه قیمت‌ها به نحو تصاعدی، گاه انشعاب آنان را نیز قطع می‌کند.» (اسماعیل پور، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

راهکارهای اتخاذ و اجرا شده توسط دولت‌ها اغلب متناسب با شرایط ویژه اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی در جوامع و فراخور نیازهای افراد آن‌هاست عدالت، آزادی فقرزدایی افراد، عناصر اجتماعی هستند که با برخورداری از فرصت‌های برابر، سرنوشت خود را رقم می‌زنند و درعین حال به یکدیگر نیز کمک می‌کنند. بدون در نظر داشتن آموزش و بصیرت‌افزایی در سطوح مختلف آن و فقرزدایی این امر مهم به وقوع نمی‌پیوندد. می‌توان گفت وظیفه دولت در فقرزدایی از جامعه نیز به جهت حفاظت از دو جهت است. یکی در جبهه آموزش و بصیرت‌افزایی و یکی هم در اجرای عدالت اجتماعی پیرامون فقر و نابرابری است.

یکی از موضوعات مهم در هر جامعه‌شان توجه ویژه به کسب‌وکار و افزایش دانش مناسب آن است. در طول تاریخ نیز حاکمان جوامع برای تداوم و استقلال سرزمین‌های تضعیف یک جامعه توسط دشمنان این است که در تأمین نیازهای آن جامعه‌اند، اخلاص ایجاد کرده و با ایجاد فقر، قحطی و... بر آن جامعه مسلط شوند (سیاح، ۱۳۹۷، ص ۱۰).

همچنان که رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرماید: «تحریم‌های اقتصادی و نوسانات قیمت نفت مشکلات ساختاری و تک‌محصولی و دولتی بودن اقتصاد و... البته گاهی اتخاذ تصمیم بدون کارشناسی سیاست‌های نامناسب اقتصادی یا ناسازگاری میان سیاست‌ها، جنگ روانی و تبلیغات منفی بر دامنه مشکلات و اصلاح اساسی می‌افزاید (لوح فشرده پرسمان، اداره مشاوره نهاد رهبری، کد: ۱۳۳/۱۲۹۰۴۱/۱۰۰).

هر دولت و نظامی به‌منظور پیشبرد اهداف خویش دارای برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است در این میان در کشور ما نیز لایحه بودجه سالانه متکفل برنامه‌های کوتاه‌مدت، برنامه‌های پنج‌ساله متکفل برنامه‌های میان‌مدت و سند چشم‌انداز توسعه همچون سند چشم‌انداز بیست‌ساله متکفل برنامه‌های درازمدت نظام است بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله که از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ شده است. ایران اسلامی در سال ۱۴۰۴ بایستی قدرت برتر منطقه‌ای و یکی از قدرت‌های مطرح در سطح جهان باشد رسیدن به این قله مسلماً مستلزم انجام کارهای زیربنایی و کار و تلاش و به‌قول معروف همت و کار مضاعف مردم و مسئولین نظام است.

گرچه کلیه دولت‌هایی که پس از انقلاب اسلامی بر سرکار آمده‌اند بر اساس وظیفه ذاتی خویش که حرکت در راستای اهداف میان‌مدت و بلندمدت نظام اسلامی بوده است گام‌های عملی مؤثری در راستای رفع فقر و محرومیت که از جمله مهم‌ترین شعارها

و اهداف انقلاب اسلامی بوده است برداشته‌اند. لذا می‌توان به برخی اقدامات آن در جهت رفع فقر و محرومیت و برطرف نمودن مشکلات آن‌ها اشاره نمود. به‌عنوان مثال در دولت آقای احمدی‌نژاد اقداماتی در راستای اهداف مذکور انجام شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

توزیع سهام عدالت، طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، اجرای طرح مسکن مهر، راه‌اندازی صندوق مهر امام رضا (ع) و... در جهت ارتقای وضعیت اقتصادی، مقدار کمی به ریشه‌کن کردن فقر کمک نمود، ولی کافی نبود. و حمایت دولت مسئولین از اشتغال‌زایی و رفع بیکاری با حمایت از طرح‌های اشتغال‌زایی زودبازده بنگاه‌های اقتصادی کوچک زودبازده و فراهم نمودن حمایت مالی از این طرح‌ها در راستای عدالت همراه با آموزش و بصیرت‌افزایی خواهد شد. و با عملیاتی شدن آن و با اجرای آن بار فراوانی از مشکلات اقتصادی برطرف خواهد کرد.

نتیجه اینکه اصل وجود پاره‌های مشکلات و گرفتاری‌های اقتصادی در هر کشوری امری طبیعی است و پیشرفته‌ترین کشورهای جهان نیز از این مسئله مستثنی نیستند اما آنچه مهم است این است که کشور ما در راستای رفع این مشکلات حرکتش کند است. و برای رسیدن به رفع کامل مشکلات و گرفتاری‌ها و ریشه‌کنی کامل فقر و محرومیت در جامعه مشکلات فراوانی بایستی در ارزیابی میزان موفقیت نظام اسلامی همه این موارد را در نظر گرفت تا حرکت در مسیر رشد و شکوفایی و رفع فقر و محرومیت در کشور به کمک و همراهی مسئولان نظام که از متن مردم برخاسته و با ساده زیستی خویش و درک محرومیت و رنج مردم به مشکلات آنان واقف می‌باشند درصدد رفع ریشه‌ای این محرومیت‌ها و مشکلات هستند.

ما در دولت حضرت علی (ع) می‌بینیم فعالیت روز اولی در مدینه حکومت را به دست گرفت، خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: «ای مردم! با این شرط، حاضرم شما با من بیعت کنید که من خزانه‌دار شما باشم و حق نداشته باشم درمی را بدون اجازه شما هزینه کنم»، یعنی امام (ع) تا این اندازه مرزبان بود که حاضر نبود پول سیاهی را بدون ضابطه و قانون هزینه کند. در خطبه شفشقیه، امام علی (ع) مبارزه با فقر و یا عامل آن را، تنها وظیفه عالمان معرفی می‌کند. همان وظیفه‌ای که برای تحقق آن، پذیرش امر ولایت و حکومت نیز واجب شده است؛ حضرت می‌فرماید: من حکومت را به این علت قبول کردم که گروهی حاضر شدند و اعلان وفاداری کردند (و نیز به این علت که) خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آن‌ها را ملزم کرده است که در مقابل پر خوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستمدیدگان ساکت ننشینند. «نهج البلاغه، خطبه ۵۲».

امیر مؤمنان (ع) معتقد بود اگر در جامعه فقیر می‌بینید، در درجه اول به دلیل بی‌تدبیری و سوء تدبیر و برنامه غلط اقتصادی است، یعنی؛ اگر در جامعه‌ای برنامه درست اقتصادی وجود داشته باشد بعد از مدتی باید فقر به شدت کاهش یابد، چنان‌که در حکومت علی (ع)، حضرت با برنامه اقتصادی به سامان، وقتی قدری حکومت خود را به پیش برد تقریباً فقیر در جامعه نبود.

امیر مؤمنان (ع) در عهدنامه مالک اشتر در این زمینه سفارش‌های بسیار اساسی دارد. در بحث حریم اقتصادی، حضرت می‌فرماید: اگر قرار است حریم‌های اقتصادی رعایت شود باید تاجران، بازرگانان و صنعتگران بتوانند به راحتی کار کنند و زمینه فعالیت اقتصادی آن‌ها فراهم شود. در عهدنامه مالک اشتر، امام (ع) بر فراهم کردن امنیت اقتصادی همه‌جانبه و زمینه‌سازی کار و تولید و تجارت سخت تأکید کرده است.

امام علی (ع) در سخنی شرط رهبری را توانایی و دانایی دانسته، با اشاره به لزوم رعایت اهلیت در منصب خلافت می‌فرماید: «ای مردم! سزاوارترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر، و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد» (خطبه/ ۱۷۳)

شایسته است که در راستای بصیرت‌افزایی و آگاهی بخشی مردم، تلاشی مضاعف داشته باشیم تا به کنه این مشکلات و ناهنجاری‌ها پی ببریم و آن عدم تهذیب انسانی است. در این سطح به بایستگی تربیت و تعلیم انسان، تزکیه و تهذیب او و از بین بردن مشکلات پیش رو و حاکمیت درست می‌توان به ریشه کردن فقر فرهنگی دست‌یافت. این همان چیزی است که پیامبران برای آن مبعوث شده و صالحان و امامان برای آن تلاش کرده‌اند.

گاهی در تاریخ شاهد هستیم که خیانت و یا بی‌کفایتی دولتمردان و حاکمان باعث می‌شود که شکاف طبقاتی افزون گردد و فقر در جامعه سرباز کند؛ زیرا آنان بیت‌المال را که برای رفع نیازمندی‌های جامعه در اختیارشان قرار گرفته، به‌جای آن که به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی رفع فقر فرهنگی و آموزش و بصیرت‌افزایی اختصاص دهند و در اختیار همه مردم قرار گیرد، در جیب خود و خانواده اطرافیان و همفکران خود درمی‌آورند، و یا با قرار دادن مالیات‌های سنگین موجب گرانی کالاها می‌گردند، و یا ناتوان از برنامه‌ریزی می‌شوند و در نتیجه موجب نابسامانی و فقر عمومی مردم می‌گردند.

انحصارطلبی و هواداری‌های اقتصادی و مالی از مهم‌ترین عوامل پدید آمدن اختلاف معیشتی و تعدی اقتصادی است. امام (ع) در این رابطه می‌فرماید: «پس در عزت و ناز دنیا بر یکدیگر پیشی نگیرید، و فریب زینت‌ها و نعمت‌ها را نخورید و مغرور نشوید و از رنج و سختی آن ننالید و ناشکیبا نباشید، زیرا غیرت و افتخارات دنیا پایان می‌پذیرد و زینت و نعمت‌هایش نابود می‌گردد.» (خطبه/ ۱۳۲)

امام می‌فرماید: «همانا ویرانی زمین به دلیل تنگدستی مردم است، و تنگدستی مردم، به جهت غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند.» (خطبه ۲۰۹).

امام در نامه بسیار ارزشمند خود به مالک اشتر مطالبی را در مورد قضات و کارگزاران بیان می‌دارند که از مفهوم آن‌ها می‌توان این‌گونه استفاده نمود که نپرداختن حقوق کافی به کارگزاران، موجب نیاز آن‌ها به مردم و در نتیجه باعث رشوه‌خواری و فساد اداری می‌گردد: «با جدیت هر چه بیشتر قضاوت‌های قاضی خویش را بررسی کن، و در بذل و بخشش مال به او سفره سخاوت را بگستر، آن‌چنان که نیازمندش از بین برود و حاجت و نیازی به مردم پیدا نکند.» و در جای دیگر می‌فرماید: «سپس حقوق کافی به آن‌ها بده! زیرا این کار، آن‌ها را در اصلاح خویش تقویت می‌کند، و از خیانت در اموالی که زیر دست آن‌ها است، بی‌نیاز می‌سازد.» (نامه ۵۳/۱) از این جهت از بین بردن فقر فرهنگی باید در اولویت فعالیت‌های افراد، جامعه و مسئولین برای برون‌رفت از مشکلات فقر اقتصادی در جامعه قرار گیرد.

## ۶- بحث و نتیجه‌گیری

انسان با دو بال عقل و دانش و بصیرت‌افزایی و کار و تلاش مضاعف، قله کمال توسعه اقتصادی را درمی‌نوردد و مشکلات و کاستی ناشی از فقر و تنگدستی و بی‌فرهنگی را از خود و جامعه می‌زدايد. فقر در همه زمان‌ها مطرود و مورد تنفر بوده و اینکه باید فقر ریشه‌کن شود امری ثابت است. فرهنگ‌طوری عمل می‌کند که گویی آخرین خندق ساختار اجتماعی است و سازنده بستری است که بیشترین آزادی و رهایی را به آدمی هدیه می‌کند؛ بدین رو که آفرینش‌ها و مناقشه‌ها در آن انجام می‌گیرد و به چالش‌های اجتماعی بسیار مجال می‌دهد. هم‌چنین فرهنگ آخرین خط دفاعی ساختار اجتماعی و خاستگاه بنیادین دگرگونی‌ها و نوسازی‌ها نیز هست. امروزه در جهان علم و تکنولوژی یکی از مهم‌ترین عوامل فقر ملل عقب‌افتاده، در صد بالای بی‌سوادی و به عبارتی فقر فرهنگی با اتحاد نهادهای مختلف علمی «حوزه و دانشگاه» و مسئولین حکومتی تا حدود زیادی ریشه‌کن شد.

مفهوم بصیرت از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار است و به معنای آگاهی و بینایی فکری در مواجهه با حوادث بیرونی و برخوردار از قوه تحلیل درست شرایط و تمیز حق و باطل با استفاده از شاخص‌های معتبر می‌باشد بصیرت زایی و بصیرت‌افزایی را به‌طور خاص جزو وظایف خواص جامعه است.

برای افزایش بصیرت‌افزایی در ریشه‌کن کردن فقر فرهنگی می‌توان به مواردی؛ مانند: بهینه‌سازی فضای مجازی، آگاهی‌دادن به خانواده‌ها و اشتغال‌زایی مناسب، و برنامه‌ریزی درست مسئولین و عوامل حکومتی اشاره نمود.

۱. با بصیرت و آگاهی فرهنگی و سخن معصومین، می‌توان از اینترنت، ماهواره و فضای مجازی، و... استفاده بهینه نمود.
۲. ایمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به جهات گوناگون می‌شود به آن نگاه کرد، یکی از کارکردهای ایمان، افزایش آگاهی و بصیرت و دین‌باوری است که نقش زیادی در فقرزدایی و ریشه‌کن کردن فقر فرهنگی دارد.

۳. خانواده در بین تمامی جوامع بشری به‌عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی و زیربنای منشأ فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. از منظر قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم (ع)، باورها و اعتقادات فرهنگی در خانواده، نقش اساسی دارد و انسان در خانواده، قابلیت تربیت‌پذیری و رشد و بالندگی بهتری دارد.
۴. مشکل فقر و بیکاری اهمیت فراوانی دارد، ولی بدتر از فقر اقتصادی، فقر فرهنگی است که با نداشتن برنامه صحیح اقتصادی و جدولی متناسب با درآمدها برای مخارج و هزینه‌های زندگی است. خطری که اسراف و ریخت‌وپاش‌ها، زندگی فرد و جامعه را تهدید می‌کند، به‌مراتب زیادتر از فقر است.
۵. یکی از عواملی که در فقر روحی مؤثر است، تبلیغ فرهنگ مصرفی و ترویج کالاهای لوکس و تجملی در جامعه است. مهم‌ترین شاخصه فقر فرهنگی جهل و نادانی است. که آموزش همگانی، تغییر و تحولی در اوضاع زندگی جامعه ایجاد نموده و باعث ریشه زدایی فقر فرهنگی است.
۶. هر دولت و نظامی به‌منظور پیشبرد اهداف خویش دارای برنامه‌های است که ریشه‌یابی فقر فرهنگی و بصیرت‌افزایی از سوی دولتمردان و مسئولین، موجب رشد اقتصادی و زدودن فقر می‌گردد.

## ۷- منابع

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۷۵). *لسان العرب*، دار بیروت، لبنان.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۳). *تحف العقول عن آل رسول*، جامعه مدرسین، قم.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۶). *فضا و نابرابری اجتماعی، مطالعه جدایی‌گزینی فضایی و تمرکز فقر در محله‌های مسکونی تهران*، رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی دانشگاه شهید مدرس، تهران.
- امینیان، مختار. (۱۳۸۵). *مبانی اخلاق اسلامی*، بوستان کتاب، قم.
- المرو، مونتی. (۱۳۹۳). *نگرش جدید بر علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی*، وزارت امور خارجه، تهران.
- پرور، اسماعیل. (۱۳۸۰). *مبارزه با فقر، فساد و تبعیض*، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی، ایران.
- تنهایی، حسین ابو الحسن. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی عرفانی در اندیشه عرفای مسلمان*، نشر بهمن برنا، تهران.
- خمینی، روح الله. (۱۳۸۹). *صحیفه نور*، مؤسسه چاپ و نشر عروج، تهران.
- حائری یزدی، محمدحسن. (۱۳۸۴). *آشنایی با اخلاق اسلامی*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
- حکیمی، محمدرضا. (۱۳۹۸). *الحیاه*، مترجم: احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم.
- حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۳۱۴ ق). *تفصیل وسائل الشیعه‌الی مسائل الشریعه*، موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء‌التراث، قم.
- جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۹). *علم در خدمت انسان*، موسسه تدوین و نشر آثار استاد علامه، تهران.
- فردرو، محسن، سهراب حمیدی، رضا یعقوبی. (۱۳۸۰). *کتاب جامعه و فرهنگ*، انتشارات آرون، تهران.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۸). *تفسیر موضوعی صورت و سیرت انسان در قرآن*، اسراء، قم.
- رسولی محلاتی، سید هاشم. (۱۳۷۸). *غررالحکم و دررالکلم*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.

- رضی محمد بن الحسین، و جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۷). *شرح نهج البلاغه*، تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۸). *ارشاد القلوب*، شریف الرضی، قم.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه، تهران.
- سیاح، مونس. (۱۳۹۷). *اقتصاد مقاومتی در عرصه خانواده*، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران.
- صدر، سید محمد. (۱۳۹۵). *تاریخ پس از ظهور*، انتشارات موعود عصر، تهران.
- فیض کاشانی، محمد. (۱۳۷۶). *المحجۀ البیضاء فی تهذیب الإحیاء*، مؤسسه نشر اسلامی، قم.
- فرهیخته، شمس الدین. (۱۳۷۷). *فرهنگ فرهیخته*، زرین، تهران.
- کاظمی، سید علی اصغر. (۱۳۷۶). *بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، انتشارات قومی، تهران.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). *اصول کافی*، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۷۸). *موانع قانون گرائی در ایران*، نشریه فرهنگ عمومی، شماره ۲۰.
- علی احمدی، علیرضا. (۱۳۸۳). *شناخت فرهنگ*، فرهنگ سازمانی و مدیریت بر آن، تولید دانش، تهران.
- علم الهدی، سید مرتضی. (۱۴۱۳ ق). *الفصول المختاره، من العیون والمحاسن*، نرم افزار نور، قم.
- لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ (للیثی)*؛ دارالحدیث، قم.
- معین، محمد. (۱۳۹۱). *فرهنگ فارسی*، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.
- معادینخواه، عبدالمجید. (۱۳۷۳). *فرهنگ آفتاب*، زره، تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، دار الکتب الإسلامیة، تهران.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، مؤسسه الوفاء، بیروت.
- وجدی، فرید. (۱۳۷۳). *دایره المعارف*، به نقل از: محمد علی جعفری، فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- هنری لطیف پور، یدالله. (۱۳۸۰). *فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.